

عنوان مقاله:

بنیان اقتصاد سیاسی توافق همکاری جامع استراتژیک ایران و چین؛ گسترش قلمروهای ملی و منطقه ای موثر

محل انتشار:

فصلنامه سیاست جهانی، دوره 12، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

نویسندگان:

افشین منقی - دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

ریحانه صالح آبادی - دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

حسین همتی فر - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

واقعیت های مرتبط با ساخت سیاسی و فضایی قدرت در ایران و واقعیت های ژئوپلیتیکی حاکم بر نظام بین الملل سبب همگرایی ایران و چین شده است. با توجه به اهمیت استراتژیک برنامه ی جامع همکاری ۲۵ ساله ی ایران و چین، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی کوشیده است تا مبادی اقتصاد سیاسی این توافق نامه را بررسی و عوامل تاثیرگذار بر همگرایی دو کشور و انعقاد آن را شناسایی نماید. نتایج نشان می دهد دولت چین با رویکرد نئومرکانتیلیستی، جهت رفع تنگناهای پیشروی اقتصاد صادرات محور خود و امنیت بخشی به منابع انرژی وارداتی به دنبال گسترش نفوذ در مناطق استراتژیک جهان مثل خلیج فارس است. از طرفی ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ایران، مقابله با نظام سلطه و هژمون آمریکا، خروج از انزوا، مهار فشارهای جبهه غرب، افزایش تاب آوری نظام سیاسی در قبال فشار های احتمالی آتی غرب و افزایش ضریب خطرپذیری در کشور، استفاده از حق وتوی چین در شورای امنیت و گسترش قلمروهای ملی و منطقه ای موثر مثل مناطق آزاد، از عوامل تاثیر گذار بر انعقاد این توافق از جانب ایران بوده است. در این مقاله همچنین تلاش شده است شرایط بحرانی یا مطلوبی که این سند می تواند برای ایران به ارمغان آورد را تعیین نماید. در نهایت می توان بیان نمود که این سند می تواند شرایط مطلوبی را برای ایران در دوره کنونی فراهم آورد.

کلمات کلیدی:

اقتصاد سیاسی، توافق راهبردی، ایران، چین، نئومرکانتیلیسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1998282>

